

منطق و جهان‌نگرش سیاست خارجی دولت روحانی

محمد محمودی کیا^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶.۰۶.۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷.۰۱.۳۱

چکیده

با پیروزی حسن روحانی در یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران و ظهور جریان موسوم به اعتدال‌گرایی، شاهد بروز گونه متفاوتی از کنش در عرصه سیاست داخلی و سیاست خارجی کشور هستیم. در همین راستا، تعامل‌گرایی، چندجانبه‌گرایی، خروج از انزوا و شکست حصر بین‌المللی ناشی از تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد؛ از جمله مهم‌ترین جهت‌گیری‌ها و اولویت‌های سیاست خارجی دولت یازدهم عنوان شد. این رویکرد، در ماه‌های نخست روی کار آمدن دولت یازدهم، به دستیابی به توافق موسوم به برجام منجر شد که به نظر می‌رسد این سند و توافق بین‌المللی موجب گشایش در روابط خارجی کشور و نیز دستیابی به الگوی موفق‌تری از همکاری جمعی برای حل مسائل حاد سیاست بین‌المللی شده است.

از این رو، این پژوهش چنین استدلال می‌کند که منطق اقدام در عرصه سیاست خارجی دولت یازدهم تا حد بسیاری متأثر از راهبرد چندجانبه‌گرایی است و این که منطق یادشده در چارچوب یک جهان‌نگرش خاص و ملهم از بن‌نگرش‌های دینی و ارزشی محیط سیاسی داخلی، بر اساس ویژگی ضد هژمونیک‌گرایی تنظیم یافته است. لذا، بر اساس این تحقیق، سیاست خارجی دولت یازدهم را می‌توان در چارچوب نوعی سیاست خارجی «چندجانبه‌گرایی ضد هژمونیک» تحلیل و بررسی کرد.

واژه‌های کلیدی: سیاست خارجی، دولت یازدهم، ضد هژمونیک‌گرایی، چندجانبه‌گرایی، تعامل‌گرایی

۱. عضو هیأت علمی پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران mmahmoodikia@gmail.com

مقدمه

پس از پایان جنگ سرد، محققان و برنامه‌ریزان روابط بین‌الملل علاقه‌مندی روبه‌رشدی را نسبت به مفهوم چندجانبه‌گرایی به‌عنوان راهی برای توصیف، تجزیه و تحلیل و یا تبیین جهان سیاست ابراز کردند. به‌طور سنتی، چندجانبه‌گرایی به‌عنوان عمل هماهنگ‌سازی سیاست‌های میان سه دولت و یا بیش‌تر از طریق نهادهای حکومتی بین‌المللی رسمی و یا غیررسمی، همچون: سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و رژیم‌های عدم اشاعه و ترتیبات موقتی تعریف می‌شود. این مفهوم به یک هنجار عمل دیپلماتیک و ویژگی بنیادین سازمان‌های بین‌المللی تبدیل شده است که بازتاب‌دهنده ساختار و فرایندهای بینادولتی و بیناحکومتی و نیز ویژگی محوری نظم جهانی دوره پساجنگ جهانی دوم است؛ اما با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، یورش جهانی‌سازی و نیز خیزش بازیگران غیردولتی در دهه ۱۹۹۰، اندیشمندان روابط بین‌الملل این معنا را که فهم سنتی چندجانبه‌گرایی باید بر اساس تغییرات شگرف و عمیق چشم‌انداز سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تغییر یافته نظام بین‌المللی جهانی شده بازبینی شود، به‌رسمیت شناخته‌اند. در این میان، سؤال‌های گوناگونی پیرامون ماهیت و سمت‌گیری جهانی‌شدن و نیز پیامدهای تغییر جهانی برای نظام بین‌الملل و نظم جهانی در قرن بیست‌ویکم مطرح است.

بسیار واضح است که جهانی‌سازی و انقلاب در فناوری اطلاعات و ارتباطات، موجب شده است تا جهان بیش از گذشته کوچک‌تر شود و الگوهای تعامل میان دولت‌ها، تجارت و جامعه مدنی در سطح بین‌المللی در حال تغییر و دگرگونی باشد. افزون بر این، دیگر بیش از این نمی‌توان نقش بازیگران غیردولتی را در سیاست جهانی نادیده و یا کم‌اهمیت انگاشت و یا اینکه چندجانبه‌گرایی را صرفاً در ارتباط با دولت‌ها و روابط بینادولتی یا سازمان‌ها و رژیم‌های بیناحکومتی محدود کرد. این واقعیت به مفهوم حکمرانی جهانی منجر می‌شود که با گسترش قلمرو چندجانبه‌گرایی و دربرگیری آن از گستره‌ای از نیروهای اجتماعی و غیردولتی موجب تغییر نظام بین‌الملل می‌شود (Muldoon, 2012).

کتب بسیاری به‌طور وسیع به بحث درخصوص تئوری و عمل چندجانبه‌گرایی و توسعه آن پس از پایان جنگ سرد پرداخته‌اند. روگی (۱۹۹۳) احیای مجدد علاقه دانشگاهی و نیز آغاز دوره‌ای نوین در مباحثات مربوط به چندجانبه‌گرایی را خاطر نشان ساخت. بر پایه چنین تحقیقات مقدماتی، کراوس و نایت (۱۹۹۵) و کاکس (۱۹۹۷) رویکرد انتقادی - بازتابی نسبت به هدف بخشی از چندجانبه‌گرایی و پروژه نظام ملل متحد MUNS دانشگاه ملل متحد را معرفی کردند. نیومن و همکاران (۲۰۰۶) چالش‌های چندجانبه‌گرایی در جهان واقعی را برجسته کرده و از پتانسیل و ارتباط آن به‌عنوان اصل سازمان‌دهنده روابط بین‌المللی معاصر یاد کردند. زارتمن و توآل (۲۰۱۰) سودمندی عملی و نظری کوشش‌های جامعه دانشگاهی برای ساخت چندجانبه‌گرایی به‌عنوان سنگ‌بنای روابط بین‌الملل را مورد پرسش قرار داده، استدلال می‌کنند که چندجانبه‌گرایی درحقیقت، سیاست گسترده همکاری است که محدودیت‌های خود را به جهان امروز رسانیده است. مالدون و همکاران (۲۰۱۱) نیز به بررسی و آزمون توسعه چندجانبه‌گرایی به‌مثابه ایده و عمل در هر دو سطح دانشگاهی و نیز جوامع برنامه‌ریز آن پرداخته‌اند.

اصطلاحات «چندجانبه‌گرایی» و «چندجانبه‌گرا» برخی ملاحظات زبان‌شناسانه را پیشنهاد می‌دهد. اشکال اسمی که با پسوند «ism» می‌آیند، بیش از آن‌که به‌طور مستقیم به حالتی از امور اشاره داشته باشند، بیانگر نوعی ایدئولوژی یا باور هستند. جان روگی نیز در تعریف خود از مفهوم چندجانبه‌گرایی بر ایده «شکل ساختاری»، اصل عمیق سازمان بخش زندگی بین‌المللی، تأکید دارد. به‌عنوان یک اصل سازمان‌بخش، نهاد چندجانبه‌گرایی با سه مشخصه از دیگر اشکال متمایز می‌شود: غیرقابل تقسیم بودن^۱، اصول عمومی رفتار^۲ و

1. Indivisibility

2. Generalized Principles of Conduct

روابط متقابل خنثی^۱. این سه ویژگی به‌عنوان یک گروه مسنجم غیرقابل انفکاک، شاخص‌های جدایی‌ناپذیر چندجانبه‌گرایی تلقی می‌شوند (Caporaso, 1992: 601-602). ویژگی غیرقابل انقسام، با توجه به قلمرو و گستردگی (هر دو وجه جغرافیایی و عملکردی آن) این‌که کدام‌یک از هزینه‌ها و منافع گسترش یافته است، کنشی را در میان و یا در اجزای متشکله ایجاد می‌کند. اصول کلی رفتار بیش‌تر در قالب هنجارهای تشویق‌کننده عمومی بروز و ظهور می‌یابد. عمل متقابل خنثی نیز لنزهای یک‌جانبه‌گرایی را برای دید گسترده تنظیم می‌کند؛ با تأکید بر این‌که بازیگران متوقع‌اند که منافع خود را در بلندمدت و در مسائل گوناگونی به‌دست آورند.

بیان مسأله

با روی کار آمدن دولت یازدهم و انتخاب شعار اعتدال‌گرایی به‌عنوان گفتمان غالب دولت، حوزه سیاست خارجی نیز همچون دیگر حوزه‌های عمل دولت، متأثر از این گفتمان، دستخوش تغییر شد. اعلامیه «برنامه، اصول کلی و خط‌مشی دولت یازدهم»، تغییرات مذکور در حوزه سیاست خارجی را با طرح مباحثی چون غیرامنیتی کردن موقعیت ایران در نظام بین‌الملل، تصحیح چهره جهانی جمهوری اسلامی، تنش‌زدایی، بازسازی و اصلاح تعاملات با قدرت‌های مؤثر بین‌المللی در جهت منافع ملی، عادی‌سازی و بهبود روابط با کشورهای همسایه و تقویت روابط سازنده با کشورهای غیرمتخاصم، مدیریت، کاهش و حذف تحریم‌های بین‌المللی چندجانبه و یک‌جانبه، تأثیرگذاری سازنده بر روند تحولات جهانی؛ به‌ویژه در حوزه‌های مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی و جلوگیری از اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی، تقویت نقش الهام‌بخشی ایران و گفتمان اصیل انقلاب اسلامی و

کوشش برای همگرایی میان کشورهای اسلامی از طریق تعامل سازنده و مؤثر با جهان، مبانی، اصول و قواعد کنش سیاست خارجی دولت یازدهم را به نظام بین‌الملل اعلام کرد. از دیدگاه پژوهشگران و ناظران سیاسی، آغاز مجدد گفتگوهای سیاسی در عالی‌ترین سطح آن برای برون‌رفت از بحران هسته‌ای و در نتیجه، دستیابی به برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) به‌عنوان موفقیت و دستاورد عینی اتخاذ رویکرد اعتدال‌گرایی، نشان از تغییر راهبرد و الگوی اقدام جمهوری اسلامی در عرصه سیاست خارجی دارد. به همین جهت، با توجه به نقش و بازیگری جدید ایران در عرصه تحولات منطقه‌ای و جهانی، درک منطق اقدام و جهان‌نگرش دولت یازدهم در حوزه عمل سیاست خارجی بیش‌ازپیش اهمیت می‌یابد.

این پژوهش با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و نیز بررسی سیاست‌های اعلامی و اعلانی سیاست‌گذاران و تدبیرپردازان روابط خارجی دولت یازدهم، به دنبال درک منطق اقدام و جهان‌نگرش دولت یازدهم در عرصه سیاست خارجی است. هدف اصلی این پژوهش، پاسخ به این پرسش است که با توجه به طرح گفتمان اعتدال از سوی دولت یازدهم، منطق و جهان‌نگرش سیاست خارجی دولت روحانی از کدام الگوی تحلیلی پیروی کرده و از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؟ و نیز این‌که نمود و تأثیر عملی این جهان‌نگرش بر تصمیمات سیاست خارجی دولت یازدهم چگونه قابل ارزیابی است؟

لذا، با توجه به طرح گفتمان اعتدال‌گرایی توسط دولت یازدهم، به نظر می‌رسد دولت یازدهم با اتخاذ راهبرد تعامل با بازیگران عمده نظام جهانی، درصدد تغییر رفتار و در نتیجه، بهبود تصویر ایران در سطح جامعه جهانی از یک دولت تجدیدنظرطلب و تهدیدی علیه صلح و امنیت نظام بین‌الملل به دولتی فعال، تعامل‌گرا و مسؤولیت‌پذیر در قبال مسائل منطقه‌ای و جهانی است. بر این اساس، سیاست خارجی دولت یازدهم بر لزوم بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در نظام بین‌الملل و نیز مدیریت و به‌حداقل رساندن

فشارها و تنگناهای اقتصادی، سیاسی و امنیتی بین‌المللی وارد بر آن سمت‌گذاری شده است.

پیشینه پژوهش

کرونبرگ (۲۰۱۷) در کتابی با عنوان *چندجانبه‌گرایی هسته‌ای و ایران*^۱ اذعان می‌کند که اتحادیه اروپا می‌کوشد تا به یک بازیگر قدرتمند جهانی تبدیل شود و از طریق رهبری قدرت نرم خود، بر رفتار دولت‌ها و سیاست جهانی تأثیر بگذارد. این درحالی است که منتقدان این رویکرد، بر این باورند که سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپا تا حد بسیاری بی‌ثمر و ناسازگار است. به باور کرونبرگ، مداخله اولیه و مستمر اتحادیه اروپا در تلاش برای متقاعد ساختن ایران بر عدم پیگیری سیاست خود مبنی بر ساخت و توسعه تسلیحات هسته‌ای، می‌تواند به‌عنوان یک نمونه آزمایشی برای تبدیل ساختن این اتحادیه به یک بازیگر جهانی باشد (۱).

کاتزمن (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان «سیاست‌های خارجی و دفاعی ایران»^۲، سیاست امنیت ملی ایران را محصول عوامل متعددی، چون: ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران، نحوه ادراک رهبران ایران از تهدید نسبت به حاکمیت و کشور، منافع ملی بلندمدت ایران و نیز تعامل جناح‌ها و حوزه‌های مختلف نظام مستقر می‌داند. وی در این مقاله، بر وجود سه دیدگاه نسبت به رفتار سیاست خارجی ایران تصریح دارد: دیدگاهی که رفتار سیاست خارجی ایران را در ادامه تحصیل امنیت ملی ایران مبنی بر فروریزی ساختار قدرت در منطقه خاورمیانه می‌داند؛ دیدگاهی که رفتار سیاست خارجی ایران را صرفاً کوششی برای حفاظت از خود در برابر هرگونه تعرض نظامی ایالات متحده و یا کوشش برای تغییر

1. Nuclear Multilateralism and Iran
2. Iran's Foreign and Defense Policies

حاکمیت و نظام سیاسی آن دانسته، و گروه سومی که اقدامات ایران را نشانه‌ای برای افزایش اعتبار بین‌المللی ایران و یا کوششی برای اعاده دوران عظمت و شکوه ایران، که یادآور دوران امپراتوری باستانی ایران است، معرفی می‌کنند.

این درحالی است که به ادعای نویسنده، هدف اصلی در سیاست خارجی ایران در طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶ بر تلاش برای کاهش آثار تحریم‌های بین‌المللی علیه این کشور متمرکز بوده است. به گمان نویسنده، سیاست خارجی ایران تحت تأثیر مستقیم سیاست‌ها و اقدامات قدرت‌های بزرگ قرار داشته؛ هرچند که گشایش‌های اقتصادی پس از توافق هسته‌ای که به موجب آن انزوای دیپلماتیک بین‌المللی رفع شد، موجب افزایش قدرت بازیگری و نفوذ ایران در سطح منطقه شده است و این کشور سعی در ارتقای خود به‌عنوان مرکزی برای تجارت و انرژی در سطح منطقه و افزایش سطح توانمندی نظامی خود از طریق خرید تجهیزات نظامی پیشرفته دارد.

اکبرزاده و کاندوییت (۲۰۱۶) در اثر مشترک خود با عنوان *ایران در جهان: سیاست خارجی رئیس‌جمهور روحانی*^۱، بر این باور تأکید دارند که سیاست خارجی دولتمردان ایرانی همواره پیچیده و چندوجهی و مبتنی بر «آرمان‌گرایی انقلابی»^۲ از یک‌سو و «واقع‌گرایی عمل‌گرایانه»^۳ از سوی دیگر بوده است. این اثر به دنبال برجسته‌کردن نقاط عطف و تنش‌های ذاتی پیش روی دولت روحانی و نیز ترسیم نقش جهانی و منطقه‌ای ایران در دوره جدید است. این اثر با تمرکز بر عناصر تداوم و محرک‌های داخلی و خارجی تغییر، به بررسی نقش منطقه‌ای و جهانی سیاست خارجی دولت یازدهم می‌پردازد.

1. Iran in the World: President Rouhani's Foreign Policy

2. Revolutionary Idealism

3. Pragmatic Realism

محمدجواد ظریف (۲۰۱۴) در مقاله‌ای با عنوان «ایران واقعاً به دنبال چه چیزی است: سیاست خارجی ایران در دوران روحانی»^۱، سیاست خارجی دولت روحانی را نقد هوشمندانه بر نحوه راهبردی سیاست خارجی دولت قبلی (دولت دهم) دانسته، رویکرد روحانی را مستلزم برقراری موازنه‌ای ظریف بین نیازهای ملی، منطقه‌ای و جهانی از یک‌سو و ابزارها و سیاست‌های موجود و در دسترس از سوی دیگر؛ موازنه بین تغییر و تداوم در سیاست خارجی؛ توازن و تعادل بین اهداف و ابزارهای سیاست خارجی در میان ابزارهای مختلف قدرت در یک جهان متغیر پویا معرفی نموده است. وی در این مقاله به راهبرد چندجانبه‌گرایی به‌عنوان مهم‌ترین راهبرد سیاست خارجی دولت یازدهم اشاره می‌کند.

محمودخانی و کشیشیان (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مقایسه‌ای گفتمان‌های سیاست خارجی دولت دهم و یازدهم و تأثیر آن بر امنیت منطقه خاورمیانه ۱۳۹۴-۱۳۸۴»، ضمن توجه به تمایزات مفصل‌بندی الگوی رفتاری و راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با محوریت مفاهیمی چون: عدالت (دولت دهم) و اعتدال (دولت یازدهم) درصدد پاسخ به این پرسش است که تأثیر گفتمان‌های دولت‌های دهم و یازدهم با توجه به نمودار متمایز رفتاری آنها بر امنیت منطقه خاورمیانه چیست؟ بر این اساس، پژوهش مذکور استدلال می‌کند که گفتمان عدالت‌محور دولت دهم می‌کوشید تا هژمونی فکری خود را از طریق سیاست ارشادی بر منطقه خاورمیانه اعمال کند؛ در صورتی که گفتمان اعتدال با تعریف متوازنی از هویت ملی و سایر عناصر مهم گفتمان خود در رویکردی تعاملی و تعدیل سیاست‌های تهاجمی قبلی، سعی در کاهش شکاف‌های موجود داشته است.

نوازنی و دیگران (۱۳۹۴) در مقاله خود با عنوان «ارزیابی محافل غربی از پیامدهای خاورمیانه‌ای برجام برای سیاست خارجی ایران»، به بررسی توافق هسته‌ای میان جمهوری اسلامی و گروه ۵+۱، موسوم به برجام و پیامدهای منطقه‌ای آن برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند. بر این اساس، آنها استدلال می‌کنند هرچند این توافق تهدید هسته‌ای را از سپهر امنیتی خاورمیانه حذف کرد؛ اما موجب جایگزینی «نگرانی از هژمونی ایران» به جای «تهدید هسته‌ای» شده و موجب می‌شود تا غرب از این توافق به‌عنوان ابزاری برای مهار قدرت ایران بهره‌گیرد.

رسولی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «رویکردهای چهارگانه تجزیه و تحلیل سیاست خارجی: مورد دولت یازدهم»، بر اساس رویکردهای چهارگانه فردگرایی تبیینی، فردگرایی تفسیری، کل‌گرایی تبیینی و کل‌گرایی تفسیری، به بررسی رفتار سیاست خارجی دولت یازدهم پرداخته است. مدعای اصلی این تحقیق، آن است که برای رسیدن به فهم کامل در شناخت تغییر در سیاست خارجی دولت یازدهم، لازم است به‌طور همزمان به هر چهار رهیافت تحلیلی توجه داشت. در واقع، درک سیاست خارجی ایران در گرو اتخاذ رویکردی تلفیقی از سطوح خرد و کلان و توجه همزمان به عوامل مادی و معنایی مؤثر در کنش سیاست خارجی بازیگران نظام بین‌الملل است.

دهقانی فیروزآبادی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «گفتمان اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، بر مبنای منطق تحول و چرخه گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، گفتمان اعتدال‌گرایی را «آرمان‌خواهی واقع‌بینانه» یا «آرمان‌گرایی واقع‌بین» نامیده، این فرض را مطرح می‌سازد که گفتمان اعتدال‌گرایی به‌عنوان یک خرده گفتمان در کلان گفتمان اسلام‌گرایی، ظرفیت بالاتری را برای بهره‌گیری از واقع‌بینی در تحقق اهداف و منافع سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به‌خدمت می‌گیرد.

رضایی و ترابی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «سیاست خارجی دولت حسن روحانی، تعامل سازنده در چارچوب دولت توسعه‌گرا»، بیان نموده‌اند که اقدامات و سیاست‌های دولت در زمینه‌هایی، چون: تنش‌زدایی و اعتمادسازی، موجب بهبود اعتبار جمهوری اسلامی ایران در راستای ارائه هویتی صلح‌طلب و مسالمت‌آمیز به‌منظور فراهم آوردن شرایط لازم برای رشد و توسعه اقتصادی در عرصه داخلی است. بر این اساس، این مقاله اولویت‌های سیاست خارجی ایران، همچون: غیرامنیتی کردن موقعیت ایران در نظام بین‌الملل، تصحیح چهره جهانی جمهوری اسلامی، تنش‌زدایی، بازسازی و اصلاح تعاملات با قدرت‌های مؤثر بین‌المللی در جهت منافع ملی را در جهت تحقق اهداف دولت توسعه‌گرا عنوان می‌کند.

الف) چارچوب نظری: چنانکه اشاره شد، دولت یازدهم در عرصه سیاست خارجی می‌کوشد با برهم زدن اجماع جهانی شکل‌گرفته علیه آن و در نتیجه، برون‌رفت از چالش‌های بین‌المللی ناشی از پرونده هسته‌ای، پایانی بر روند یک‌جانبه‌گرایی غرب و به‌ویژه ایالات‌متحده آمریکا رقم زده، این مهم را در چارچوب الگوی همکاری‌های بین‌المللی و قاعده چندجانبه‌گرایی پیگیری نماید. لذا، ضروری است چندجانبه‌گرایی به‌عنوان منطق سیاست خارجی دولت یازدهم، قدری از حیث مفهومی و نیز الزامات اجرایی آن مورد مذاقه قرار گیرد.

۱- تعامل سازنده در چارچوب چندجانبه‌گرایی: درخصوص تعریف چندجانبه‌گرایی دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که در وجه اشتراک همه آنها، چندجانبه‌گرایی ناظر به همه ترتیباتی است که در آنها سه دولت و یا بیشتر، هماهنگ با هم دست به اقدام می‌زنند. روگی (۱۹۹۳) در کتاب خود با عنوان *موضوعات چندجانبه‌گرایی*، وجه مشترک ترتیبات چندجانبه را وجود مجموعه قواعدی معرفی می‌کند که مناسبات میان گروهی متشکل از سه دولت و یا بیش‌تر را مطابق با اصول رفتار عمومی تنظیم می‌کند. این اصول، الگوهای رفتاری لازم برای

دستیابی به هدفی خاص را مشخص می‌سازد؛ ولی نکته تعیین کننده این است که قواعدی که بیان عملیاتی این اصول هستند، بر همه دولت‌های شرکت‌کننده در ترتیبات چندجانبه حاکم‌اند. این نتیجه‌گیری، روگی را به دو ادعا رهنمون می‌سازد: نخست، در ترتیبات چندجانبه دولت‌ها چنان رفتار می‌کنند که گویی هدف موردنظر تنها با اقدام جمعی قابل وصول است. از این رو، هدف موردنظر تقسیم‌ناپذیر است. دوم، معمولاً ترتیبات چندجانبه در تعقیب آن هدف بر اساس مقابله به مثل پراکنده عمل می‌کند. این بدان معناست که مزایای حاصل از پیگیری هدف موردنظر بلافاصله به دست نمی‌آید؛ بلکه در طول زمان از مشارکت فعال همه طرف‌های عضو یکجا روی هم انباشته می‌شود (ویلکینسون، ۱۳۸۸، ۴۳۰-۴۳۱).

بر این اساس، چندجانبه‌گرایی از یک منظر به‌عنوان مفهومی وابسته ظاهر می‌شود که در نتیجه آن، چندجانبه‌گرایی را تنها می‌توان صرفاً در حدود زمینه‌ای که در آن وجود دارد، ادراک کرد که آن زمینه، ساختار تاریخی نظم جهانی است؛ اما چندجانبه‌گرایی صرفاً یک رویکرد انفعالی و وابسته نیست. در کاربرد مرسوم و رایج دیپلماتیک، چندجانبه‌گرایی به دولت‌ها دلالت دارد. این مفهوم روابط میان بیش از دو دولت با احترام به برخی موضوع‌های مشخص یا مجموعه‌ای موضوع‌ها را پوشش می‌دهد. کاربرد دیگر چندجانبه‌گرایی همچون اندیشه تجارت و پرداخت چندجانبه^۱ مدت‌های مدیدی در حوزه روابط اقتصادی بین‌الملل رواج داشته است. از این منظر، این مفهوم با اصل مورد علاقه کشورها در تجارت بین‌المللی، جنبش تبدیل‌پذیری ارزها^۲ و آزادی جریان سرمایه، از شباهت و ترادف برخوردار است (Cox, 1992: 161-162).

به باور کاکس، چندجانبه‌گرایی را می‌توان از دو منظر بررسی کرد: یکی از منظر نهادگرایی^۳ و تعدیل نظم مستقر، و دیگری، به‌عنوان نقطه تعامل برای تغییر نظم موجود.

-
1. The notion of multilateral trade and payment
 2. Movement toward convertibility of currencies
 3. Institutionalism

چندجانبه‌گرایی در عمل بر هر دوی این مباحث دلالت دارد؛ اما این دو جنبه مبانی خود را در بخش‌های متفاوتی از ساختار کلی چندجانبه‌گرایی و نیز تعقیب تاکتیک‌های متفاوت پیدا می‌کنند؛ ولی به باور کاکس پرداختن به مسأله تغییر در شرایط کنونی، بیش‌تر قانع‌کننده است تا بررسی یکی از این دو جنبه به زیان جنبه دیگر (Cox, 1992: 163).

با پایان جنگ سرد، کوهن چنین استدلال کرد که چندجانبه‌گرایی به‌طور فزاینده‌ای به هدف و شیوه‌ای برای نظم‌بخشی در روابط بین‌الملل مبدل شده است (Keohane, 1990: 731). کوهن چندجانبه‌گرایی را عمل هماهنگ‌سازی سیاست‌های ملی در گروهی متشکل از سه دولت و یا بیش‌تر، از طریق برقراری ترتیبات موقتی یا به‌وسیله نهادها تعریف می‌کند؛ بنابراین، این مفهوم به‌طور خاص بر دولت‌ها و بیش‌تر نهادها دلالت دارد و به‌عنوان مجموعه‌های متصل و پایا از قوانین، رسمی و غیررسمی تعریف می‌شود که نقش‌های رفتاری را تجویز نموده و فعالیت‌ها را محدود کرده، به انتظارات شکل می‌بخشد (Keohane, 1990: 733). چندجانبه‌گرایی زمانی نهادینه می‌شود که قوانین پایداری بروز و ظهور یابد. در نتیجه نهادها را می‌توان از دیگر اشکال چندجانبه‌گرایی همچون: نشست‌های موقت و ترتیبات کوتاه‌مدت برای حل مسائل و مشکلات خاص تمیز داد. نهادهای چندجانبه‌گرا به‌صورت ضمنی، نظام‌های بین‌المللی یا سازمان‌های بروکراتیک را شکل می‌بخشند.

تعریف کوهن از چندجانبه‌گرایی توسط رابرت جرارد روگی (Ruggie, 1992: 564) در زمینه‌هایی که وی ابعاد کیفی این پدیده را نادیده گرفته بود، طرد شد. برای توضیح، در مقدمه منشور سازمان ملل متحد به‌صورت ضمنی اشاره شده است که «چندجانبه‌گرایی به معنای ایجاد شرایطی است که تحت آن عدالت و احترام به تعهدات ناشی از پیمان‌ها و دیگر منابع حقوق بین‌الملل می‌توانند حفظ شوند». در نتیجه، چندجانبه‌گرایی متضمن عدالت، تکلیف و گونه‌ای از

منطق و جهان‌نگرش سیاست خارجی دولت روحانی. / ۱۶۳

حکومت بین‌المللی قانون^۱ است. لذا، آنچه چندجانبه‌گرایی را متمایز می‌سازد، نوع روابطی است که بذر آن را می‌نشانند (Bounchard & Peterson, 2011: 7).

برای روگی چندجانبه‌گرایی به معنای «هماهنگ‌سازی روابط میان دو دولت و یا بیش‌تر... مطابق با اصول خاصی است» که روابط میان آنها را نظم می‌دهد. چندجانبه‌گرایی یک «صورت نهادی کلی» و ترتیبات نهادی ضمنی‌ای را ارائه می‌دهد که «حقوق مالکیت دولت‌ها را تثبیت و تعریف می‌کند، مشکلات ناشی از هماهنگی را مدیریت می‌کند و مشکلات بر سر راه همکاری را حل‌وفصل می‌کند»؛ اما اغلب چندجانبه‌گرایی در غیاب سازمان‌های بین‌المللی که «ورود نسبتاً متأخری به روابط بین‌الملل داشته‌اند و هنوز نیز از اهمیت نسبتاً کمی برخوردارند»، صورت می‌گیرد (Ruggie, 1992: 567-568).

۲- بحران چندجانبه‌گرایی

چندجانبه‌گرایی همچون دیگر اشکال همکاری با بحران‌های متعددی در عرصه سیاست جهانی روبه‌رو بوده است. بحران چندجانبه‌گرایی در دهه ۱۹۹۰ میلادی و به دنبال تمایل و گرایش در بخشی از ایالات‌متحده و برخی کشورهای قدرتمند در عدم پذیرش ایالات‌متحده به‌عنوان وسیله عمل بین‌المللی و نیز جنبشی در بخشی از این کشورها نسبت به هرگونه یک‌جانبه‌گرایی یا سلطه جمعی در مسائل سیاسی و اقتصادی جهانی بروز و ظهور یافت. زمینه‌ای که این بحران در آن به‌وقوع پیوست، بحران اقتصادی اواسط دهه ۱۹۷۰ میلادی بود که در میان چیزهای دیگر، به کاهش اراده بخشی از کشورهای ثروتمند برای سرمایه‌گذاری در جهان سوم و نیز افزایش شدید در بخشی دیگر در اصرار و پافشاری بر تجارت آزاد، مقررات‌زدایی، سیاست‌های اقتصاد خصوصی در هر دو سطح داخلی و خارجی منجر شد. این شرایط با سوءظن آنها نسبت به این موضوع که نظام ملل متحد، مانع بالقوه‌ای بر سر آزادسازی اقتصادی به‌شمار می‌رود،

1. International Rule of Law

همراه می‌گشت. این امر به شکل‌گیری شکافی میان چندجانبه‌گرایی اقتصادی قدیم، به‌عنوان حامی نظم اقتصادی لیبرال و نظم نهادینه در کارگزاری‌های عمده اقتصاد جهانی تحت سلطه غرب، همچون: صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی با چندجانبه‌گرایی بیش‌تر سیاسی شده که به‌طور نمادین در مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار دارد و از منظر دولت‌های قدرتمند به‌مثابه لنگرگاهی برای اکثریت کشورهای جهان سوم محسوب می‌شود، منجر شده است (Cox, 1992: 164).

لذا، هرچند بحران مذکور در روند چندجانبه‌گرایی خلل و شکاف عمیقی ایجاد کرد که همچنان نیز این شکاف در عرصه سیاست جهانی مشهود است؛ بااین‌حال، تجربه ایران و حل منازعه چندین ساله قدرت‌های جهانی بر سر پرونده ادعایی هسته‌ای و به دنبال آن خروج مسالمت‌آمیز ایران از فصل هفتم منشور ملل متحد، موجب شد تا بار دیگر چندجانبه‌گرایی به‌عنوان الگویی برای حل مسائل و مشکلات حاد بین‌المللی موردتوجه قرار گیرد؛ چنانکه در همین راستا، سخنگوی وزارت خارجه چین، برجام را نتیجه مهم چندجانبه‌گرایی و نمونه موفقی برای حل مشکلات و اختلافات شدید بین‌المللی؛ از جمله مسائل مربوط به گسترش تسلیحات هسته‌ای، از طریق ابزارهای سیاسی و دیپلماتیک معرفی می‌کند (www.fmprc.gov.cn).

این مسأله بیانگر این مهم است که حل مسائل و معضلات حاد بین‌المللی دیگر از الگوی یک‌جانبه‌گرایی پیروی نکرده و هندسه نوین قدرت در عرصه بین‌المللی ضرورت کاربست شیوه‌های نوین همکاری و الگوهای همکاری‌جویانه را تجویز و پیشنهاد می‌نماید. در ادامه این تحقیق، به سمت‌گیری و سیاست‌گذاری‌های جدید و نیز نحوه بهره‌گیری الگوی نمونه این تحقیق؛ یعنی دولت یازدهم در کاربست این الگوی همکاری می‌پردازیم.

ب) چندجانبه‌گرایی؛ منطق اقدام دولت یازدهم در عرصه سیاست خارجی: اصل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، برقراری و توسعه روابط برابر و عاری از سلطه با همه کشورهای مشروع جهان است؛ اما در عمل، بر اساس شرایط خاص زمانی، توسعه روابط با برخی از کشورها و مناطق در اولویت قرار می‌گیرد. اولویت‌بندی کشورها و مناطق حسب ضرورت‌ها و اقتضائات خود یکی از شاخص‌های سیاست خارجی معتدل و معقول است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۱۳). بر این اساس، آنچه بیش از هر چیز دیگر در سمت‌گیری‌های سیاست‌گذارانه دولت یازدهم ظهور و بروز پیدا می‌کند، کوشش دولت برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در نظام بین‌الملل به منظور تحصیل هرچه بیشتر منافع ملی در عرصه جهانی است؛ ظرفیت‌هایی که بنا به شرایط جهانی جدید امکان بهره‌گیری از آنها برای دولت‌های مختلف با درجات متفاوت از قدرت ملی را فراهم آورده است. یکی از نتایج این شرایط، تغییر در الگوی همکاری‌های بین‌المللی و گرایش جهانی برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در بستر همکاری‌های چندجانبه و بین‌المللی است.

از این رو، مهم‌ترین اصول و شاخص‌های سیاست خارجی دولت روحانی بر محوریت موضوع‌هایی، همچون: دوری از تنش و تنش‌زدایی، عقلانیت و تدبیر در عرصه سیاست خارجی، اعتمادسازی، بهبود چهره، تصویر و پرستیژ ایران در عرصه جهانی، دیپلماسی فعال، کوشش برای متوازن نمودن و بهبود روابط با کشورهای جهان مطرح شده است (خسروی، ۱۳۹۶، ۴۹). ابزاری که دولت حسن روحانی برای رسیدن به این اصول اتخاذ نموده، بهره‌گیری از الگوی چندجانبه‌گرایی است. محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه، چندجانبه‌گرایی را نتیجه‌گريزناپذیر جهانی‌شدن و برآمدن متعاقب اقدام جمعی و رویکردهای مبتنی بر همکاری دانسته و بر همین اساس، چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی را چنین تعریف می‌کند:

چندجانبه‌گرایی به معنای جستجوی جمعی برای یافتن راه‌حل‌های مشترک برای مشکلات مشترک، مطلوبیت و اثربخشی عملی خود را در هر دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی به اثبات رسانده است؛ حتی قدرت‌های عمده جهانی نیز، هرچند با اکراه، فراگرفته‌اند که آنها نیز دیگر نمی‌توانند منافع خود را به‌طور یک‌جانبه تعقیب کنند، یا به اهداف خاص خود نائل شوند. روند تدریجی اما فزاینده ائتلاف‌سازی، در هر دو سطح منطقه‌ای و جهانی، چه برای مقاصد کوتاه‌مدت و یا کوشش‌های ماندگارتر، شاهد‌گیرناپذیری اقدام جمعی است. همکاری ارادی به‌عنوان الگوی کاری جدیدی از تعامل بین دولت‌ها به تدریج ظهور یافته است و جایگزین الگوی رویارویی، تسلیم بی‌قیدوشرط و یا رقابت دائم شده است که زمانی در گذشته غالبیت داشت و اکنون بی‌اعتبار شده است (Zarif, 2014: 3).

بر همین اساس، ظریف هدف سیاست خارجی مبتنی بر چندجانبه‌گرایی را «حفظ و تقویت امنیت ملی ایران، خنثی‌سازی یا حذف تهدیدهای بیرونی، مبارزه با اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی، ارتقای جایگاه کشور و نیل به پیشرفت فراگیر» معرفی می‌کند (Zarif, 2014). (8) حسن روحانی نیز در مواضع خود از پایان دوره یک‌جانبه‌گرایی و لزوم حرکت به سوی الگوی چندجانبه‌گرایانه برای پیگیری منافع بازیگران در نظام بین‌الملل تأکید کرده است (خبرگزاری فارس ۱۳۹۳/۷/۵).

از این رو، راهبردهای کلان سیاست خارجی در دولت یازدهم بر محوریت ویژگی‌هایی چون: «مشارکت فعال و هدفمند در تأمین ثبات و امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای و مدیریت چالش‌ها و بحران‌ها به‌منظور ارتقای اعتبار جهانی، تأمین منافع و امنیت ملی و مقابله نظری و سیاسی با ساختار قدرت‌محور جهانی و یک‌جانبه‌گرایی، تقویت روند چندجانبه‌گرایی، ائتلاف‌سازی سیاسی با کشورهای همسو و مشارکت فعال در شکل‌دهی هنجارها و قواعد منطقه‌ای و جهانی بر اساس منافع ملی و ارزش‌های اسلامی، حمایت از حقوق فردی و جمعی ایرانیان در خارج از کشور، تقویت هویت ایرانی-اسلامی و ایجاد

زمینه‌های لازم برای مشارکت آنان در توسعه ملی، دفاع از حقوق انسان‌ها؛ به‌ویژه مسلمانان و ملت‌های مظلوم؛ به‌ویژه مردم فلسطین و جلوگیری از نفوذ و رسوب رژیم صهیونیستی در منطقه، کشورهای اسلامی و نهادهای بین‌المللی، ترویج فرهنگ و تمدن ایرانی در جهان؛ به‌ویژه حوزه جغرافیایی ایران بزرگ با هدف همگرایی و ارتقای هویت ایرانی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های دینی و فرهنگی برای توسعه و تعمیق هویت اسلام راستین» انتظام می‌یابد (خبرگزاری ایرنا- ۱۳۹۶/۰۵/۱۹).

لذا، رویکرد کلان سیاست خارجی دولت یازدهم، در موضوع‌هایی چون: ایجاد تفاهم و تقویت اجماع در سطح ملی، اعتدال‌گرایی و همکاری در روابط خارجی بر اساس رویکرد عزت، حکمت، مصلحت و تعامل سازنده و مؤثر عنوان شده است. این رویکرد در راستای دستیابی به اهداف چشم‌انداز بیست‌ساله کشور، تقویت امنیت ملی، رفع تهدیدهای خارجی، محور قرار دادن اقتصاد و توسعه ملی در روابط خارجی، خنثی‌سازی تبلیغات در خصوص اسلام‌ستیزی و ایران‌هراسی، ارتقای اعتبار و افزایش احترام و عزت ایران تعیین شده است. مبتنی بر چنین رویکردی، چهار راهبرد برای سیاست خارجی تنظیم شده است که یکی از آنها، مشارکت فعال و تعامل سازنده و مؤثر است، که این مهم از طریق پیگیری و تعقیب راهکارهای ذیل محقق می‌شود:

- ۱- برقراری، تقویت و تعمیق مناسبات دو و چندجانبه در جهت تحکیم امنیت ملی؛
- ۲- مقابله تئوریک و دیپلماتیک با ساختار قدرت محور جهانی؛
- ۳- مشارکت فعال و هدفمند در تأمین ثبات و امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای و مدیریت چالش‌ها و بحران‌ها به‌منظور ارتقای اعتبار جهانی، تأمین منافع و امنیت ملی؛
- ۴- تقویت روند چندجانبه‌گرایی، ائتلاف‌سازی سیاسی با کشورهای همسو و مشارکت فعال در شکل‌دهی هنجارها و قواعد منطقه‌ای و جهانی بر اساس ارزش‌های اسلامی و منافع ملی (رک: متن کامل برنامه، اصول کلی و خط‌مشی دولت روحانی).

بر این اساس، ویژگی‌های سیاست خارجی ایران را می‌توان بدین شرح برشمرد: چندجانبه‌گرایی، تعامل‌گرایی، عدم تعهدگرایی، اعتمادسازی، توازن میان آرمان‌ها با واقعیات محیط نظام بین‌المللی (واقع‌گرایی آرمان‌نگر)، توازن میان اهداف و امکانات، تنش‌زدایی، نهادگرایی و نیز هنجارگرا - انتقادی.

اکنون سؤال اصلی این‌گونه مطرح می‌شود که این سیاست خارجی مبتنی بر چندجانبه‌گرایی در عرصه عمل چگونه می‌تواند ظهور و بروز بیابد؟ چه فرصت‌هایی در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی، طرح و تعقیب این سیاست را هموار می‌سازد. به باور کیهان برزگر (۱۳۹۴)، سیاست چندجانبه‌گرایی در حال حاضر در سه زمینه ذیل قابلیت عملیاتی شدن دارد:

نخست، مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی که اکنون به یک تهدید بین‌المللی تبدیل شده است. مبارزه با این نوع تروریسم به اقدام همگانی و همکاری بین بازیگران منطقه‌ای - فرامنطقه‌ای نیاز دارد. در این ارتباط، پیشنهاد ظریف برای تأسیس یک «مجمع گفتگوی منطقه‌ای» بین کشورهای منطقه و جهان اسلام مهم ارزیابی می‌شود که می‌تواند در مرحله بعد به «مجمع گفتگوی منطقه‌ای بین‌المللی» برای حل این‌گونه مسائل اضطراری ارتقا یابد (۲).

دوم، حل بحران‌های منطقه‌ای مثل سوریه و یمن که اکنون مشخص شده بدون پذیرش یک راه حل سیاسی میانه و قابل قبول برای همه ممکن نیست. این مهم تنها در نتیجه اقدام جمعی و همکاری همزمان بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای تشکیل و تداوم یک دولت فراگیر و وحدت ملی در این کشورها امکان‌پذیر است.

سوم، تشویق اقدام جمعی برای تشکیل یک خاورمیانه عاری از تسلیحات کشتار جمعی است. دسترسی اسرائیل به تسلیحات اتمی، حس عمومی ناامنی موجود نسبت به این رژیم را در منطقه و به‌خصوص در ایران تقویت می‌کند. این مسأله از دیدگاه صلح و

منطق و جهان‌نگرش سیاست خارجی دولت روحانی. / ۱۶۹

امنیت منطقه‌ای، مانع از حل پایدار مشکلات کلان منطقه‌ای مثل مسأله فلسطین می‌شود که به‌گونه‌ای به سیاست‌های داخلی کشورها و متعاقباً تأثیرگذاری بر اصول سیاست خارجی آنها در منطقه مرتبط است.

لذا، این‌گونه برداشت می‌شود که منطق سیاست خارجی در دولت یازدهم بیش‌تر متأثر از رویکرد چندجانبه‌گرایی است و دولت سعی دارد تا از ظرفیت‌های موجود بیش‌ترین استفاده را برای حضور فعالانه، مشارکت‌جو و مسؤولیت‌پذیر در نظام بین‌الملل ببرد. از همین رو، برنامه‌های حوزه سیاست خارجی بر اساس راهبردهای فوق‌الذکر، متناسب با شرایط جهانی و موقعیت و جایگاه جمهوری اسلامی ایران و ضرورت‌های ملی کشور بر اساس این اولویت‌ها طراحی شده‌اند:

(۱) برنامه‌ریزی عملیاتی و هدفمند برای خشی‌سازی پروژه امنیتی‌سازی جهانی جمهوری اسلامی ایران؛

(۲) مدیریت روابط با کشورهای متخاصم و عادی‌سازی روابط با دیگر کشورهای

غربی؛

(۳) تقویت روابط با قدرت‌های جدید و نوظهور؛

(۴) بازسازی نقش منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران؛

(۵) طراحی ساختار گفت‌وگویی متناسب بر اساس درک واقعیات ساختاری منطقه‌ای و

جهانی؛

(۶) بهره‌گیری حساب‌شده، برنامه‌ای، هماهنگ و مؤثر از دیپلماسی دوجانبه،

چندجانبه، عمومی، اقتصادی، فرهنگی، پارلمانی، دفاعی، امنیتی و غیررسمی در جهت نیل به اهداف توسعه و امنیت کشور (متن کامل برنامه، اصول کلی و خط‌مشی دولت روحانی، خبرگزاری ایسنا).

این مجموعه از ویژگی‌ها موجب می‌شود تا نتیجه تعقیب منطق سیاست خارجی چندجانبه‌گرایی در این دوره به شکل‌گیری یک دولت تعامل‌گرا منجر شود؛ دولتی که می‌کوشد وضعیت موجود را به‌سوی وضع مطلوب و موردپسند خود تغییر داده و هزینه‌های ناشی از تعقیب سیاست پیشین را تا حد ممکن کاهش دهد و اجازه حضور فعالانه کشور در عرصه تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی را بیش‌ازپیش فراهم نماید.

ج) ضد‌هژمونیک‌گرایی به‌مثابه جهان‌نگرش سیاست خارجی دولت روحانی

فرهنگ لغت مریام - وبستر در تعریف خود از جهان‌نگرش^۱ آن را به معنای «یک فهم جامع یا درکی از جهان؛ به‌خصوص از دیدگاهی خاص» معرفی می‌کند (Merriam-Webster.com). پالمر جهان‌نگرش را یک سمت‌گیری شناختی بنیادین فرد یا جامعه معرفی می‌کند که مشتمل بر تمامی دانش و دیدگاه فرد و جامعه است (Palmer, 1996: 114). بر این مبنا، جهان‌نگرش، نظریه جهانی است که برای زیست در جهان از آن استفاده می‌شود. جهان‌نگرش الگویی ذهنی از واقعیت است - چارچوبی از ایده‌ها و نگرش‌ها در خصوص جهان، خودمان و زندگی، یک نظام جامع از باورها- با پاسخ‌هایی برای طیف وسیعی از سؤال‌هایی، چون: ماهیت انسان چیست؟ علت وجودی ما چیست؟ هدف ما در زندگی چیست؟ چه ارزش‌ها و اولویت‌هایی در تصمیم‌گیری مؤثر هستند؟ انسان‌ها قادر به ادراک و فهم چه چیزهایی هستند و چگونه این فهم ایجاد می‌شود؟ و این‌که این فهم با چه میزان از قطعیت شکل می‌گیرد؟ (asa3.org).

از سوی دیگر، منطق کنش هر یک از بازیگران نظام بین‌الملل، متأثر از نوع نگرش آن بازیگر به جهان و به‌تبع آن پدیده‌های پیرامونی آن است. در این میان، کنش دولت‌ها در عرصه سیاست خارجی به نقش، جایگاه و تعریفی بازمی‌گردد که دولت‌ها از جهان

منطق و جهان‌نگرش سیاست خارجی دولت روحانی. / ۱۷۱

پیرامونی خود دارند. این نگرش نیز خود متأثر از مجموعه باورها، اعتقادات و ارزش‌های موجود در نظام سیاسی داخلی، تصمیم‌گیرندگان و تدبیرپردازان و نیز ارزش‌های دستگاه و نظام سیاست‌گذاری حوزه سیاست خارجی است. بدین نحو، این مجموعه از نظام ارزش‌ها، نقش‌ها و تصورات، عاملی تأثیرگذار در نحوه کنش‌های یک دولت در عرصه روابط خارجی به شمار می‌رود. این ارزش‌ها در خصوص جمهوری اسلامی ایران، متأثر از هنجارها و ارزش‌های نظام سیاسی بر موضوع‌هایی چون: عدالت بین‌المللی، رهایی‌بخشی انسان‌ها از ساختارهای محدودکننده نظام بین‌الملل، ضدیت و غیریت‌سازی با هژمون‌طلبی و نیز تأکید بر ارزش‌های الهی - انسانی جهان‌شمول انتظام پیدا می‌کند.

از این میان، دهقانی فیروزآبادی ویژگی ضد هژمونیک‌گرایی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را چنین تعریف می‌کند: «انقلاب اسلامی و گفتمان عدالت‌خواهانه، سلطه‌ستیزانه و استکبارستیزانه آن، نظم لیبرالی موجود بین‌المللی را برنتابیده و در ابعاد فرا نظری، ساختاری، هنجاری و نهادی آن به چالش کشیده است» (دهقانی فیروزآبادی و ذبیحی، ۱۳۹۱: ۷۱). این بیان نشان‌دهنده ویژگی انتقادگرایانه و هنجارگرایانه سیاست خارجی جمهوری اسلامی است که به صورت یک اصل ثابت در رفتار کنشگران، تصمیم‌سازان و تدبیرپردازان سیاست خارجی بروز و ظهور می‌یابد.

چنانکه اشاره شد، این ویژگی در سیاست خارجی بیش‌تر متأثر از ایدئولوژی و ارزش‌های نظام سیاسی داخلی است. به باور ابراهیم متقی:

شاخص‌های ایدئولوژیک سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر این امر تأکید دارد که جلوه‌هایی از مقابله‌گرایی با کشورهای تهدیدکننده امنیت ملی ایران در دستور کار آن قرار گیرد. برای این منظور، لازم است میان ائتلاف‌گرایی و تعامل سیاست خارجی با روندی که به مقابله‌گرایی با نظام سلطه منجر می‌شود، جلوه‌هایی از هماهنگی و

همبستگی راهبردی ایجاد شود. از سوی دیگر، طیف ائتلاف‌گرایی برای محدودسازی، بازدارندگی و مقابله در برابر نظام سلطه استفاده می‌شود (مقی، ۱۳۸۹: ۲۰۵-۲۰۶).

درواقع، جمهوری اسلامی ایران در سال‌های پس از پیروزی انقلاب با رویکرد به اصولی چون مقابله با نظام سلطه و نفی قدرت‌های استکباری، موازنه قدرت مسلط جهانی را برهم زد و این روند موجب پیدایش و رشد طیف جدیدی از مقاومت در برابر سیطره‌طلبی قدرت‌های جهانی شد (شفیعی فر و رحمتی، ۱۳۸۹: ۳۳).

از این رو، می‌توان ضدیت با هژمون‌گرایی را یکی از اصول ثابت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برشمرد که همه دولت‌ها در نحوه تنظیم روابط خود با جهان پیرامونی این اصل را مرعی داشته و از آن تخطی نکرده‌اند. دولت یازدهم نیز به پیروی از همین اصل در روابط خارجی خود، همواره بر نفی هژمون‌طلبی قدرت‌ها تأکید داشته و رفع محدودیت‌های وضع شده علیه کشور را در چارچوب منطق تعامل و گفتگو پیگیری کرده است؛ حال آنکه، از موضع اصولی خود مبنی بر عدم سازش با قدرت‌های سلطه‌گر عدول نکرده و بر حفظ حقوق و اصول قطعی خود پافشاری کرده است. بر همین اساس، در راهبردهای اعلامی سیاست خارجی دولت یازدهم بر اصولی چون: توسعه روابط با همه کشورها بر اساس احترام متقابل، مدیریت و کاهش تنش‌ها در عرصه سیاست خارجی، تعامل سازنده با اروپا، تقویت و بسط روابط با سازمان‌ها و نهادهای اقتصادی بین‌المللی، هنجارسازی جهانی و مشارکت اثباتی در ائتلاف دولت‌های همسو در جهت پیشبرد صلح و ثبات و نیز اعتمادسازی و همکاری تأکید شده است (Zarif, 2014: 8).

بنابراین، هرچند دولت یازدهم سیاست خارجی خود را بر مبنای اصولی چون تعامل گسترده با جهان و نیز مدیریت روابط با کشورهای متخاصم و عادی‌سازی روابط با دیگر کشورهای غربی بنا نهاده و در نتیجه، از الگوی چندجانبه‌گرایی برای حل و فصل اختلافات خود با نظام بین‌الملل بهره جسته است؛ با این حال، همواره بر غیریت‌سازی و نفی هژمون

طلبی در روابط خود با نظام بین‌الملل تأکید ورزیده و این اصل را همچون یک قاعده طلایی در روابط خارجی خود حفظ کرده است. از این رو، منطق کنش دولت یازدهم متأثر از این ویژگی را می‌توان «چندجانبه‌گرایی ضد هژمونیک» نامید.

نتیجه‌گیری

بررسی رفتار سیاست خارجی دولت یازدهم، گویای آن است که مجموعه دستگاه سیاست‌گذاری خارجی کشور می‌کوشد با برساختن چهره‌ای متفاوت از جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان بازیگری فعال و مسئولیت‌پذیر در عرصه صلح و امنیت جهان، تصویر برساخته پیشین از آن را تغییر داده و تهدیدها و تضییقات بین‌المللی علیه کشور همچون قطعنامه‌های شورای امنیت و در نتیجه نظام تحریم‌های بین‌المللی یک‌جانبه و چندجانبه را مختل نماید. دستیابی به این مهم، در کنش سیاست خارجی دولت، در قالب تعقیب و پیگیری الگوی چندجانبه‌گرایی و تعامل با همه طرف‌های دخیل در پرونده ادعایی فعالیت‌های هسته‌ای ایران آغاز شده و دستیابی به برجام نقطه اوج این تعاملات است.

از این منظر، چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی دولت یازدهم منجر به رفع تمامی قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل شده و عرصه فراخ‌تری را فراروی سیاست خارجی کشور برای تحصیل منافع ملی قرار داده است؛ اما وجه برجسته این رویکرد، توجه به اصول ثابت سیاست خارجی ایران و اصول کلی کنش در این عرصه است؛ آنچه متأثر از ارزش‌های نظام سیاسی درونی، در قالب راهبرد ضدیت با هژمونیک‌گرایی در عرصه بین‌الملل دنبال می‌شود. لذا، الگوی عمل و جهان‌نگرش دولت یازدهم در عرصه سیاست خارجی را می‌توان در قالب نوعی الگوی کنش «چندجانبه‌گرایی ضد هژمونیک» بررسی کرد و رفتار دولت در چارچوب این منطق کنش را فهم نمود. این الگو، افزون بر تعامل پویا و حضور فعالانه در مجامع بین‌المللی و نیز برگزیدن راه گفتگو برای دستیابی به اجماع و تفاهم بین‌المللی، از هسته سختی در مرکز تعاملات خود برخوردار بوده که مانع از پذیرش هرگونه خوی سلطه‌جویانه در

محیط پیرامونی خود می‌شود. از این رو، می‌توان توافق برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) را محصول همین نگرش به جهان و نیز الگوی کنش مربوطه قلمداد کرد. در مجموع، این رویکرد، علاوه بر تعامل با همه طرف‌ها و با توجه به منافع متعارض در روابط خود با دیگر بازیگران، می‌کوشد از ظرفیت‌های موجود در نظام بین‌الملل برای کاهش هزینه‌ها و نیز بهبود روابط با جهان پیرامونی استفاده کند.

پی‌نوشت‌ها

۱- تاکنون هیچ مدرک معتبری مبنی بر وجود انحراف در برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران در مجامع معتبر بین‌المللی ارائه نشده است و گزارش‌های مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز به صورت مکرر بر صدق این گزاره تصریح دارد (ر.ک: صفحه مربوط به پرونده راستی‌آزمایی و رصد ایران در تارگاہ آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به آدرس:

www.iaea.org/newscenter/focus/iran)

۲- این پیشنهاد توسط محمدجواد ظریف در مقاله‌ای با عنوان «چگونه با زمینه‌های گسترش تروریسم و افراط‌گرایی مقابله کنیم؟» که به تازگی در روزنامه الرأی کویت نیز منتشر شده، مجدداً مطرح شده است (ر.ک.: www.alraimedia.com).

منابع

خسروی، ملک تاج. (۱۳۹۶). «رویکرد سیاست خارجی دولت یازدهم نسبت به نظم و امنیت منطقه خاورمیانه». *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، سال دهم، ش ۳۹، صص ۳۱-۵۸.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۹۳). «گفتمان اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران». *فصلنامه سیاست خارجی*، سال بیست و هشتم، ش ۱: صص ۱-۳۹.

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و ذبیحی، رضا. (۱۳۹۱). «انقلاب اسلامی و عدم مطلوبیت نظم بین‌المللی موجود»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال نهم، ش ۳۱: صص ۷۱-۹۰. رسولی ثانی‌آبادی، الهام. (۱۳۹۴). «رویکردهای چهارگانه تجزیه و تحلیل سیاست خارجی: مورد دولت یازدهم». *فصلنامه روابط خارجی*، سال هفتم، ش ۱: صص ۹۳-۱۱۹.

رضایی، علیرضا و ترابی، قاسم. (۱۳۹۲). «سیاست خارجی دولت حسن روحانی، تعامل سازنده در چارچوب دولت توسعه‌گرا»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی*، ش ۱۵: صص ۱۳۱-۱۶۱.

شفیعی‌فر، محمدرضا و رحمتی، رضا. (۱۳۸۹). «سیاست تعاملی ضدنظام سلطه»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال هفتم، ش ۲۲: صص ۱۱-۴۴.

متقی، ابراهیم. (۱۳۸۹). «شاخص‌ها و کارکرد سیاست خارجی تعامل ضدنظام سلطه»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال هشتم، ش ۳۰: صص ۱۷۹-۲۱۰.

محمودخانی، زهرا و کشیشیان، گارینه. (۱۳۹۵). «بررسی مقایسه‌ای گفتمان‌های سیاست خارجی دولت دهم و یازدهم و تأثیر آن بر امنیت منطقه خاورمیانه»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال سی‌ام، ش ۲: صص ۷-۳۵.

نوازنی، بهرام و دیگران. (۱۳۹۴). «ارزیابی محافل غربی از پیامدهای خاورمیانه‌ای برجام برای سیاست خارجی»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و نهم، ش ۴: صص ۷-۲۶.
ویلیکینسون، روردن. (۱۳۸۸). «چندجانبه‌گرایی». در: مارتین گریفیتس، دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.

منابع لاتین

- Akbarzadeh, Sh. & Condit, D. (eds.) (2016). *Iran in the World: President Rouhani's Foreign Policy*. Palgrave Macmillan.
- Alexandroff, Alan S., ed. (2008). *Can the World Be Governed? Possibilities for Effective Multilateralism*. Waterloo, Canada: Wilfrid Laurier University Press.
- Bouchard, C. & Peterson, J. (2011). "Conceptualizing Multilateralism". *Mercury*. E-paper, No. 1: 1-39. Available at: mercury.uni-koeln.de/
- Caporaso, J. A. (1992). "International Relations Theory and Multilateralism: The Search for Foundations". *International Organization*, Vol. 46, No. 3: 599-632.
- Cox, R. W. (1992). "Multilateralism and World Order". *Review of International Studies*, 18: 161-180.
- Cox, Robert W., ed. (1997). *The New Realism: Perspectives on Multilateralism and World Order*. New York: St. Martin's.
- Cronberg, T. (2017). *Nuclear Multilateralism and Iran*. Routledge: 130 pp.
- Katzman, K. (2017). "Iran's Foreign and Defense Policies". Congressional Research Service. Available in: www.crs.gov
- Keohane, R.O. (1990). 'Multilateralism: an Agenda for Research'. *International Journal*, 45: 731- 764.
- Krause, Keith, & W. Andy Knight, eds. (1995). *State, Society and the UN System: Changing Perspectives on Multilateralism*. Tokyo: United Nations University Press.
- Muldoon, James P. (2012). "Return to Multilateralism (1992-)". available at: www.oxford bibliographies.com
- Muldoon, James P., JoAnn F. Aviel, Richard Reitano, & Earl Sullivan, eds. (2011). *The New Dynamics of Multilateralism: Diplomacy, International Organizations, and Global Governance*. Boulder, CO: Westview.

منطق و جهان‌نگرش سیاست خارجی دولت روحانی. / ۱۷۷

- Newman, Edward, Ramesh Thakur, and John Tirman, eds. (2006). *Multilateralism under Challenge? Power, International Order, and Structural Change*. Tokyo: United Nations University Press.
- Palmer, G. B. (1996). *Toward A Theory of Cultural Linguistics*. University of Texas Press.
- Ruggie, J. (ed.) (1993). *Multilateralism Matters*. New York: Columbia University Press.
- Ruggie J.G. (1992). 'Multilateralism: the Anatomy of an Institution'. *International Organization*, 46 (3): 561-598
- Ruggie, J. G., ed. (1993). *Multilateralism Matters: The Theory and Praxis of an Institutional Form*. New York: Columbia University Press.
- Zarif, M.J. (2014). "What Iran Really Wants: Iranian Foreign Policy in the Rouhani Era". *Foreign affairs*, Vol. 93, No. 3, pp. 1-11.
- Zartman, I. W., & Saadia Touval, eds. (2010). *International Cooperation: The Extents and Limits of Multilateralism*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.

پایگاه‌های اینترنتی فارسی زبان:

«حل مشکلات منطقه‌ای و تقویت دیپلماسی اقتصادی دو ابراولویت ظریف تا ۱۴۰۰»؛ قابل

دسترسی در: <http://www.irna.ir/fa/News/82627103>

«متن کامل برنامه، اصول کلی و خط‌مشی دولت روحانی»؛ قابل دسترسی در:

<http://www.isna.ir/news/92051408247>

«حضور ایرانیان تحصیل کرده و فرهیخته در کشورهای دیگر، سرمایه‌ای ارزشمند است»

در: <http://www.farsnews.com/printable.php?nn=13930705001727>

برزگر، کیهان. (۱۳۹۴). «عصر چندجانبه‌گرایی در خاورمیانه» در:

<http://www.tabnak.ir/fa/news/523851>

۵. ظریف، محمدجواد. (۱۳۹۶). «چگونه با زمینه‌های گسترش تروریسم و افراط‌گرایی

مقابله کنیم؟» در: <http://www.irna.ir/fa/News/82503318>

پایگاه‌های اینترنتی لاتین:

“Charter of the United Nations”, Available at: www.un.org

“What is a worldview? — Definition & Introduction”, American Scientific Affiliation, www.asa3.org

Foreign Ministry Spokesperson Lu Kang's Regular Press Conference, Official website of ministry of foreign affairs of the people's republic of china: www.fmprc.gov.cn , July 24, 2017.

www.iaea.org/newscenter/focus/iran

www.Merriam-Webster.com

The Logic and Worldview of Foreign Policy of Rouhani's Administration

Mohammad Mahmoodikia¹: Assistant professor of Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute

Received on: 20.9.2017

Accepted on: 20.4.2018

Abstract:

With the victory of Hassan Rouhani in Iran's presidential elections and coming into power the so called moderate movement thinking one can observe a different kind of policies in both domestic and foreign policy fields. In the new policies of Rouhani government, one can notice multilateralism, interaction with international community and breaking isolation caused by the United Nations Security Council resolutions. This approach led to a prolong negotiations with 5+1 countries and the conclusion of Joint Comprehensive Program of Action (JCPA) which seemed to open up Iran's relations with many countries. Besides it seemed that the above agreement could be a good model for solving other issues related to the differences of Iran and the West. The present article argues that the logic behind the policies of Rouhani government is largely influenced by multilateralism. The components of this line of thinking are derived from a particular world view inspired by religious values existing in Iran domestic context and an anti-hegemonic belief of Iran in international scene. The finding of the study shows that the principle and belief of Rouhani government is a foreign policy based on a kind of "anti-hegemonic multilateralism".

Keywords: foreign policy, Rouhani Government, anti-hegemonic, multilateralism, interactivity.

1. mmahmoodikia@gmail.com